

بسم الله التّور

الميزان خوانی جلسه صد و ششم - سوره مبارکه اسراء - ۱ / خرداد / ۱۴۰۲

- ادامه شرح و تفسیر آیات سیاق ۹ تا ۲۲ تا ابتدای آیه ۲۲

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ"

ادامه شرح و تفسیر آیات سیاق ۹ تا ۲۲ تا ابتدای آیه ۲۲

جلسه ۱۰۶ المیزان، سوره مبارکه اسراء.

ما تا سر آیه ی ۲۰ در جلسه قبل کار کردیم تفسیرش را، امروز هم باز به خورده بحث داریم مخصوصاً بحث کلمه ای داریم و حالا ادامه میدیم و در آخر هم که بخش دوم کلاس مون.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

آیه ۲۰ " كَلَّا نُمِدُّ هُوَلاءِ وَهَؤُلاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (۲۰)"

در مورد "نُمِدُّ" علامه یه بحث مفصل لغتی دارند. که از مفردات راغب آوردند و گفتند که کلمه مَدَّ که مضاعفه یعنی مَدَد هست. مدد، اصلش به معنای کشیدن هست. از این ریشه چی می دونید؟ امداد. ممدود. مداد، به خاطر کشیدن، امتداد. پس ریشه ما مَدَد. امداد باب افعال. امتداد باب افتعال. استمداد باب استفعال، از امتداد، اسم مفعول داره، ممتد. دیگه چی داریم؟ فعل ازش بسازیم مجرد. توی قرآن داریم، همین جا داریم .

"كَلَّا نُمِدُّ هُوَلاءِ" درسته؟ "نُمِدُّ" مجرد هست، يُفْعِلُ.

نه "مُدْهَامٌ" خودش یه ترکیب هست یه کلمه هست. خب؟ "نُمِدُّ" البته ببخشید مزید هست، افعال هست. یَمِدُّ و نَمِدُّ مجرد هست. "نُمِدُّ" اینجا باب افعال هست. پس "یَمِدُّ" و "نَمِدُّ" توی قرآن داریم، باب افعالش. دیگه ازش چی داریم؟ زمان، به زمان بخوره چی داریم؟ خیلی هم استفاده می کنیم ازش. آمد؟ نه. آمد ریشه اش..

مدید، هم دوستان گفتند. مدت، احسنت. مدت.

مدید، میگی زمان مدید.

آقای راغب اصفهانی در کتابشون میگوین اصل معنا به معنای، کشیدن، هست.

حالا بیاییم این محور را پیاده کنیم روی این مشتقات. وقتی ما میگویم که اصل معنا، ببینید ما یه معنا اول داریم اینو قبلاً هم گفتیم، یه معنا دوم سوم چهارم داریم. (دقیقه ۵) اصل معنا اونی هست که همه مشتقات باهاش مشترک هستند. یعنی مفهوم، کشیدن، در همه اینها هست. درست شد؟ منتها کشیدن به علاوه مثلاً یه فاکتور

دیگه. یه مفهوم دیگه. هر کدوم از اینها پایه مشترک شون، کشیدن هست. حالا اگر یک مفهوم دیگه‌ای بهش اضافه بکنیم میشه همون باب‌های مزید .

سوال: اینجا استمداد چجوری معنای کشیدن داره؟ پاسخ: الان توضیح میدم.

علامه می‌فرمایند که به خاطر همین زمان ممتد را می‌گیم مدت. یعنی راغب گفته. زمان ممتد را می‌گیم مدت، اگر یک زخمی دیر خوب بشه می‌گن مَدَّالْجَرْحَ یا مَدَّالْجَرْحَ، جفتش درسته. جَرَحَ و جُرِحَ هم درسته. جمعش همیشه چی توی قرآن؟ "**وَالْجُرُوحُ الْقِصَاصُ**". جُرُوح جمعش هست. جَرَحَ یعنی زخم. زخمی که دیر خوب بشه از این واژه استفاده می‌کنند. یا نهر را.

مَدَّالْجَرْحَ اگر مصدری نگاه کنیم یا فعلی نگاه کنیم. مَدَّالْجَرْحَ، جَرَحَ و جُرِحَ هر جفتش استفاده میشه.

امتداد هم داریم؛ بله دوستان گفتند، باب افتعال.

خب نهر را مثلا دیدید توی این باغ‌ها این آب را می‌کشند مثلا ادامه‌ش میدان تا یک جریب دیگه تا یه باغ دیگه. به این حالت هم می‌گن مَدَّالنهر، یعنی کشیدن نهر، اینکه آب را بکشوند تا یه جای دیگه. پس، کشیدن.

جالب اینه که توی قرآن یه چیز دیگه هم آورده، چشم به چیزی دوختن. من نگاهم را بکشم به روی چیزی. آیه‌ش را بگید؟ به یه چیزی چشم بدوزیم، خدا داره نهی می‌کنه، چشمت را ندوز. احسنت. "**وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ**" پیغمبر چشمات را ندوز. ممکنه ما به یکی ثروتی دادیم، دلیل داره، چشمت را ندوز.

حالا این خطاب به پیغمبر هست در لایه‌های بعد یعنی خطاب به امت هست. "**وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ**" پس توی قرآن نَمُدُّ داشتیم "**وَ لَا تَمُدَّنَّ**" با نون تاکید.

نیرو دادن به لشکر، امداد. می‌گیم امدادهای الهی. مدد.

امتداد، یک کشیدن نیرو مثلا من الان یک نیروی دارم نیروی خودم را وصل کنم به نیروی لشکر. مثلا لشکر جلوی خط مقدم هست و نیروهایی از عقب میان بهش وصل میشن پس یه نوع اتصال هم توش هست.

مدد می‌گیم یا علی مدد. این یعنی چی؟ یا خدا مدد. یعنی خدایا نیروی خودت را، حضرت علی، امیرالمومنین نیروی خودت را برسون به ما، امتدادش بده برسون به ما. مدد.

خیلی ریشه پرکاربردیه هست دیگه چی داریم ازش؟ بعد جناب راغب گفتند که امداد.

بله مَدَّالارض هم داریم. امداد در چیزهای نیک در محبوب‌ها عمدتاً استماع میشه. برای چیزهای خوب به کار می‌بریم. امداد همین نیرو دادن، تایید.

و اما مَدُّ و مَدَّ، يَمُدُّ مثلا، معمولا در چیزهای بد، در شر، در مکروهات، استفاده میشه.

حالا ببینید سوره واقعه ازش چی داره؟

تمدید هم گفتند. بله. زیاد داریم. تمدید باب تفعیل. احسنت.

خب! یه دونه آیه از سوره واقعه بگید این ریشه توش باشه که به معنای خوب باشه؟ (دقیقه ۱۰)

"وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَ لَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ" درسته؟ امداد در نیکی‌ها. خدا میگه من اونها را یعنی ما اونها را (یعنی دستگاه شریعت، خداوند، ملائکه، اونهایی که در تدبیر، به اذن خداوند در عالم امکان فعالند)، میگه که ما ایشان را به میوه و گوشت، هر قسمتی که اشتها داشتند میل کردند، اونها را نیرو دادیم بهشون. امدادشون کردیم کمکشون کردیم.

توی مکروه: "وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا" سوره مریم آیه ۷۹. اونجا مکروهه. یعنی ما براش عذاب را طولانی کردیم، کشیدیم، چه عذابی، چه امتدادی. یا مثلاً "وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ" داریم اینو. "وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ" این باز میشه.

"فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا" داریم سوره مریم. بله. اونجا با لام امر اومده سرش.

یه ۷۵ داریم سوره مریم "فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا". یه ۷۹ داریم "نَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا" هست.

یا مثلاً معنی مکروه "وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ" الغی یعنی گمراهی. یعنی چی؟ میگه برادران شون یعنی هم‌پیمانان شون، کسانی که کمکشون کردند، توی این گمراهی اونها را هی کششون دادند هی نگهشون داشتند. ببینید چقدر میشه بازی کرد با ریشه.

بعد علامه یه چیز جالبی اضافه می‌کنند به نکات آقای راغب. (هر چه که تا الان گفتیم برای بحث لغوی جناب راغب هست). علامه میگن خب این بحث جناب راغب، حالا من یه چیز دیگه هم میگم. میگم که امداد و مد هر چیز، اینه که از نوع خودش بهش اضافه کنیم؛ یعنی چی؟ بین اون مد و اون چیزی که بهش مد میشه یه سنخیت می‌خواد. یه سنخیت. هر کسی انگار که با نوع خودش می‌تونه مچ بشه و اتصال پیدا کنه و اون سنخیت را ایجاد کنه.

به قول شما با شفاعت چی میشه؟ مطابقت پیدا می‌کنه. خیلی زیباست.

میگه هر چیزی از نوع خودش بهش اضافه بشه تا بقاءش امتداد پیدا کنه. اگر ما این مد را نداشته باشیم قطع میشه یعنی اگر اون سنخیت نباشه قطع میشه. مثلاً میگن که چشمه، چشمه آب از یه منبع زیر زمینی که شبیه خودش هست از زیر زمین مدد گرفته، اومده روی زمین و جریان، امتداد، پیدا کرده. حالا اینو داشته باشید.

سوال: میگن میشه بگیم هر چیزی با نوع خودش کشش پیدا می‌کنه؟ پاسخ: به شرطی که اذن خدا باشه، بله.

سوال: شفاعت فرق می‌کنه؟ پاسخ: شفاعت **ضَمَّ الشَّيْءِ إِلَى آخِرِ هَسْت**. توی شفاعت همین مد را داریم منتها اتصال خیلی محکمتری هست. یعنی قطعاً یک الصاق و اتصال محکم‌تری نسبت به مد هست. مد ممکنه قطع بشه به خاطر این برای مد، شرط و شروط زیاده.

علامه می‌فرمایند که خداوند انسان را در عملش امداد می‌کند چه نیک، چه دنیوی، چه اخروی. (دقیقه ۱۵)

یعنی چی؟ ببینید بیایید وسایل عمل را، وسایلی که توی عمل ما دخالت دارند، اونها را بگیریم. هر چیزی که عمل بهش محتاجه .

بگیریم عمل به چیا محتاجه؟ علم. یکیش علم هست حتما عمل برای تحققش به علم، آگاهی و دانایی محتاج هست.

دیگه چی؟ اراده. ما قبل از اینکه علم داشته باشیم برای عمل، اراده هم می‌خواهیم، بعد چی؟ عزم، عزم همون اراده هست توی یه خانواده هستند. دیگه؟ نیت، نیت هم همون اراده هست. برای تحقق فعل قبلش چیزهای دیگه می‌خواهیم، شما فعل را که می‌گید یعنی تحقق پیدا کرده.

اسباب. حالا این اسباب چیه؟ یکیش ابزار بدنی هست. ببینید من برای یک عمل قوت می‌خوام. بخوام انجام بدم نیرو می‌خوام، دست و پا، زبان، مغز، اینها، کمک می‌خوام. بله قوای فعاله، اصطلاحاً می‌گیم ابزار بدنی، قوای فعاله. یعنی دائم در حال انجامند. توی ابزار بدنی، قوای فعاله یعنی مثلاً حرکت دست و پا و زبان و گوش و چشم و همه اینها کمک می‌کنند برای تحقق یک عمل.

مواد خارجی. من همه لوازم را دارم برای عمل، منتها شرایط خارجی محقق نمیشه. من الان آماده هستم برای تحقق یک عمل، اما شرایط خارجی، اونم باید باشه. شرایط خارجی.

دیگه چی؟ اینها چیزهایی هستند که برای تحقق اینها انسان به خودی خود درش دخالت مستقیم نداره یعنی کافی نیست شاید. شاید بگیریم ابزار بدنی تا یه اندازه‌ای در اختیار ماست. شاید بگیریم علم و اراده‌ش، البته تا یه اندازه‌ای. ولی همه اینها بخواد تحقق پیدا کنه همه امداد الهی هست. خدا برای تحقق یک فعل، اینها را کنار هم می‌چینه و دونه دونه توی اون مسیر قرار میده. اگر یه دونه از اینا نباشه عمل ما تحقق پیدا نمیکنه. پس خدا با فضلش همه این عوامل را سر جای خودش می‌چینه تا یک عملی از ما محقق بشه. شاء خدا. بله. درست شد؟

پس وقتی میگه که "كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا" ما همه را امداد می‌دیم. نُمِدُّ باب افعال. ما به همه امداد می‌دیم چه برای اعمال دنیوی شون چه برای اعمال اخروی شون. "وَهُوَآءٍ مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ" و این امداد ما از عطای ماست. (عطا یعنی چی؟ چه نوع بخششی؟ بدون درخواست بدون بحث بازگشت. بدون استحقاق.) میگه ما از عطای خودمون همه را امداد میدیم و امداد ما هرگز و هرگز محظور نیست. حَظَرَ با ظای دسته‌دار یعنی چی؟ قطع و منع.

حَظَرَ اصل معنا منع هست. عطای پروردگار منعی نداره اگر کسی از عطای پروردگار محروم شده، بگیرد؟ اگر یه کسی از عطای پروردگار محروم شده چی؟ خودش، خودش نخواست. خدا همه اسباب را برای ما چیده اسباب سعادت را. اگر ما به جایی نرسیدیم مقصر خودمون هستیم. تقصیر خودمون هست.

سوال: این آیه ۲۰ توضیح آیه ۱۸ و ۱۹ هست؟ پاسخ: بله. اتصال آیات داریم. (دقیقه ۲۰)

سوال: ما کلاً کمک می‌کنیم به آنچه که فرد می‌خواد؟ پاسخ: دقیقاً.

سوال: یعنی توی شر هم کمک خداست؟ توی خیر هم کمک خداست؟ پاسخ: توی اعمال دنیوی و اعمال اخروی امداد الهی را داریم، عطا. (هفته پیش هم اینو عرض کردیم) گفتیم من ایمانی ندارم اما وضع مالی م خوبه یا مثلاً مقام و شهرت خوبی دارم. شرایط عمل براش محقق شده. این فرد توی قالب دنیا فعالیت کرده، خدا دنیاش رو براش ساخته. درسته؟

دوستان: آقای مطهری هم همینو میگن. بعضی‌ها که استدلال می‌کنند که چرا اینهایی که ایمان ندارند امور دنیایی شون خیلی خوبه، میگه اونها تلاش شون را می‌کنند، توی امور دنیایی شون بالاخره به یه چیزهایی اعتقاد دارند تلاش هم کرده و دقیقاً همین آیه را میارن، "كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ" بالاخره خدا شامل حالشون می‌کنه. استاد: بله؛ دقیقاً.

سوال: پس اینجا بحث اختیار و جبر هست؟ پاسخ: نه نه؛ اختیار و جبر. ببینید ما هیچ جا برای رسیدن به سعادت دست و بال ما بسته نیست. خدا دست و بال ما را بسته برای اینکه به سعادت و کمال اخروی برسیم. هیچوقت همچین چیزی نیست که نمی‌تونیم ما مقهور مثلاً جبر و سرنوشت و اینها باشیم. اینو قبلاً عرض کردیم مفهوم جبر و اختیار که ما می‌گیریم ما بین‌الامرین هستیم خداوند مسیر را برای ما روشن و مشخص کرده. اینکه ما چه مسیری را بریم چون تحت علم خداوند هستیم، یک مفهومی از جبر روش هست. مثل همون مرکز دایره هست که بینهایت شعاع هست. اختیار ما همان شعاع‌های بینهایت دایره هست. محیط دایره هم علم خداست شما هزار و یک بینهایت راه، مسیر انتخاب کنید باز تحت علم خدایید خدا میدونه که ما اینو می‌گیریم یا این مسیر را می‌گیریم یا این کار را خواهیم کرد، یا عاقبت به شر میشیم خدای نکرده یا عاقبت به خیر. همه اینها را خدا می‌دونه. اینکه خدا می‌دونه دست و بال ما بسته نیست ما کاملاً آزادیم برای انتخاب مسیر هدایت یا ضلالت. و اینه که در آخرت هیچ بهانه و عذری نمی‌تونیم بیاریم خدایا فلان گروه من رو گمراه کرد. آیاتش هم زیاده، که جالبه اون گروه‌ها که ما میندازیم تقصیرها را گردن اونها، میگن می‌خواستید تبعیت از ما نکنید. ما خودمون و بدبختی خودمون هستیم شما نمی‌خواد از ما تبعیت کنید ما اصلاً شما را گردن نمی‌گیریم. شیطان‌ش گردن نمی‌گیره چه برسه به ظالمان و حالا رهبران کفر. آیه معروف بحث شیطان‌ش هم بارها و بارها گفتیم. آیه ۲۲ سوره ابراهیم. که میگه "فَلَا تَلْمُزُونِي وَلَوْ مَوَا أَنْفُسِكُمْ" شما خودتون را سرزنش کنید ما در پیشگاه خداوند در روز قیامت هیچ عذر و بهانه ای برای گمراهی خودمون نداریم. هیچوقت خدا عذر ما را در گمراهی‌مون قبول نخواهد کرد. حتی اگر ما را داخل زندان کنند دست و پا بسته، یه چیزی از ما بخوان، باز هم خدا میگه من هنوز بخشی از اختیار برای تو قرار دادم که بخوای ردش کنی. شرایط کفر هیچ ربطی به جامعه و دولت و اینها نداره، ما نمی‌تونیم توی اون دنیا همچین عذر و بهانه‌هایی بیاریم، خدا راه را بسته دیگه .

سوال: پس اون عنایت و تفضلی که خدا به بعضی از آدمها می‌کنه در شرایط خیلی سخت، یهو میبینی که طرف یه آدم کافر و بی دینی بوده یهو عنایتی میشه؟ پاسخ: توفیقات هست. توفیقات و محیط تاثیر داره ولی مانع از اختیار آدم و بحث جبر نیست.

سوال: "نمد" گفتید سنخیت میخواد دیگه، حس میکنم اشتباه بود اون که گفتم آیه ۱۸ و ۱۹ چون آیه ۱۸ بحث منفی بود، بعد اگر الان اینجا "نمد" بخواد، یعنی قرار باشه اون امداد رسانی باشه خب اون بحث دنیای

سنخیت چی میشه؟ پاسخ: امداد در دنیا، اعمال دنیاتون مسیرش درست میشه. امداد اخروی، اعمال آخری تون مسیرش درست میشه. ببینید توی آیه میگه: "كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ" دو تا هست دو تا فرقه هست اگر من اینو بخونم تا آخر، متوجه میشید که ارتباطش هم با آیه قبل الان براتون یعنی خود علامه باز می‌کنه.

می‌فرمایند که (دقیقه ۲۵) پس اهل دنیا در دنیای خودش و اهل آخرت در آخرت خودش از عطای الهی استمداد می‌کنه، این جمله علامه هست. و در این استمداد عطا، چیزی جز حمد عاید خدا نمیشه یعنی چون خدا غنی هست چیزی جز حمد، عاید خدا نمیشه. هر چه عطا می‌کنه انعامی ست بر آدمی که در موضع نیکو میاد استعمال می‌کنه یعنی عطای خدا را میاد در جای خودش درست از اون نعمت استفاده می‌کنه.

خب؟ اگر استفاده نکنه یعنی خدا یه عطایی به ما کرده مثلاً میگه این دو دو تا چهارتای قانون دنیاست، میخوای به کمال و سعادت بررسی این مسیر را برو. نخواستی بری من فقط توی قالب دنیا، تا یه حدودی کمکت می‌کنم. باز بحث سیاق آیات قبل هست. خب؟ تا یه حدودی من توی این دنیا کمکت می‌کنم. که گفتیم به اذن خدا هم بستگی داره نه اینکه اونا هر چی بخوان در اختیارشونه، نه! تا یه اندازه ای خدا براشون فراهم می‌کند.

میگه من عطایم قطع نشدنی هست. "وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (۲۰)" منعی نداره، فراوانه. بی‌نهایت. همه میتونند استفاده کنند اگر کسی اومد از این عطای من درست، سر جای خودش در موضع خود استعمال کرد درست استفاده کرد، خوش به حالش. اگر ادامه جمله، میگه اگر فسق بورزد و نعمت را در آن مورد نیکو اعمال نکنند، اومده چیکار کرده؟ در حقیقت کلمه خدا یعنی قانون خدا را تحریف کرده. کسی از نعمت و عطای الهی درست استفاده نکنه. علامه میگن که کلمه خدا را از جای خودش تحریف کرده. یعنی اومده قوانین خدا را به خیال خودش جا به جا کرده و نباید جزء خودش، کسی را ملامت کند. چون خدا میگه من عطایم منعی نداره شما نخواستید استفاده کنید من به همه مسیر تحقق را بخشیدم.

"كُلًّا نُمِدُّ"، "كُلًّا" نقشش را بگیرد. مفعول هست برای نمد، مفعول مقدم هست. ببینید اگر دیدید مفعول جلوتر از فعل اومده قطعاً یک عنایتی پشتش هست یعنی میخواد اینجا اون بحث عطا را بگه، من به همه عطا را دادم هیچ قید و بندی هم نداره این عطای الهی. میگه اگر مفعول "نُمِدُّ" که "كُلًّا" باشد، قبل از فعل آورده شده بدین جهت است که بفهماند عمومیت امداد نسبت به هر رو فریق یعنی اگر "كُلًّا" مفعول مقدم هست به خاطر عمومیت امداد هست؛ این میشه چی؟ گزاره تعقلی. خدا امدادش عامه. هیچ محظوری نداره. به خاطر همین كُلًّا را اول آورده.

سوال: میشه بگیم قانون میشه وقتی مفعول قبل از فعل بیاد؟ پاسخ: بله؛ یه حالتی از انحصار را داره.

خب؟ بعد فرمودند که اینکه به یک یک آن دو گروه اشاره کرد، "هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ" این و این، دو تا گروه را آورده. این دسته که برایشان عجله می‌شود بر اساس آیات قبل چون اونها عجله کردند دیگه و این دسته که سعی‌شان شکرگزاری میشود، باز برمیگردیم به آیات قبل، (دو تا گروه تا الان داریم، ببینید توی این سیاق همش با دو تا

گروه خدا داره صحبت می‌کنه. یه دسته ای خدا براشون عجله می‌کنه یه دسته ای خدا سعی شون را مشکوره، مشکور می‌کنه.

مشکور نگفتید!

سعی مشکور توی آیات قبل نداشتیم؟ مگه میشه؟

بله گفتیم. آیه "فَأُولَئِكَ كَانَتْ سَعِيَهُمْ مَشْكُورًا".

نه می‌گم توضیحی راجع بهش توی کلاس داده نشده.

سعی و تلاش اونها خدا براش یک پاداشی قرار میده. شکر خداوند در واقع قرار دادن اجر عمل هست. (دقیقه ۳۰) می‌گه چه اون گروهی که براشون عجله می‌کنیم چه اون گروهی که سعی شون را شکر می‌کنیم، هر دو تاشون را امداد می‌نماییم. این فرمایش خداوند هست. هر کدام از اونها اما وضع مخصوص دارند یه عده ای اومدند در واقع مسیر کفر را رفتند یه عده ای مسیر شکر را رفتند. هر دو تاشون از عطای الهی استفاده کردند اما یکی سر جای خودش، یکی تحریف کرده. یکی از سعی‌ش به آخرت میرسه به پاداش میرسه یکی از سعی‌ش جز خسران دریافت نمی‌کنه.

سوال: داخل تفسیر المیزان گفته پس اهل دنیا در دنیای خود و اهل آخرت در آخرت خود از عطای خدا استمداد می‌کنه؛ یه توضیح کوتاه میدید؟ پاسخ: درباره آخرت. این در، خوب ترجمه نشده. درباره آخرت یعنی کارهاشون، نگاهشون اخروی هست. چون در آخرت دیگه کارها تموم شده. اهل آخرت در دنیا برای آخرتشون از خدا استمداد می‌کنند مثل چی؟ می‌گیم خدایا عاقبت ما را بخیر کن. این استمداد ما در دنیا، برای آخرت هست. می‌گه اهل آخرت در آخرت، منظور، درباره آخرت هست. گرفتید؟ خوب ترجمه نشده.

و نکته بعدی؛ چرا گفته "مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ"؟ یعنی رب و ربوبیت را فقط مختص حضرت پیغمبر کرده. این کاف مخاطب اکثرا در قرآن حضرت پیغمبر هست. مگر اینکه قبلش ما یک قرینه ای داشته باشیم.

سوال: یعنی "كُلًّا نُمِدُّ هَوْلًا" مال اون "يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ" هست و "هَوْلًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ" مال اون دسته دوم هست؟ پاسخ: بله؛ علامه اینجوری دو دسته اش کرده.

سوال: اول یه جور دیگه گفتید یا من اشتباه متوجه شدم. من حس کردم "كُلًّا نُمِدُّ هَوْلًا" می‌گیم کلا اینها امداد میشن و این امداد از عطای خداست؟ پاسخ: می‌دانید چجوریه؟ بذارید بهتون بگم؟ جمله اول "كُلًّا نُمِدُّ هَوْلًا" قانون عمومی هست. پس شما دنبال قانون عمومی داخل پرانتز دو تا گروه، گروه اولی را نمایاره اونایی که استعجال براشون شده، فقط گروه دومی را آورده. متوجه شدید؟

من یه قانون کلی می‌گم. قانون کلی من دو تا فرقه داره از یه فرقه اسم نمی‌ارم. بی توجهی.

"كُلًّا نُمِدُّ" چون "كُلًّا" آورده "كُلًّا نُمِدُّ هَوْلًا" قانون کلی هست گروه اول را که استعجال توی آیات قبل هست اینجا حرفی ازشون نمی‌گه. گروه دوم را با "وَهَوْلًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ" خب؟ این یه برداشت هست.

این "عَطَاءِ رَبِّكَ" را می‌خواهیم ببینیم چرا "رَبِّكَ"؟ مگه فقط حضرت پیغمبر رب داره؟

دوستان: بالاترین عطا را می‌خواهیم بگیریم که به حضرت پیغمبر داره. استاد: بگید بازم، خوب.

دوستان: اگه چیزی ربط داره به دین پیامبر، به امت پیامبر. استاد: خب؟ نه.

دوستان: پیغمبر میتونه الگو باشه؟ استاد: نه نه.

ربوبیت که یک قانون عمومی هست، خدا رب همه هست چرا اینجا گفته رب پیغمبر؟ به خاطر اینکه اونها به غلط و به شرک، اربابی را قائلند، خدا اینجا خواسته بگه که ربوبیت مطلق هم مال خداست و اون ربی که من دارم میگم عطاءش منعی نداره همونی هست که رب واحده، توحید ربوبی داره، و همونه که رب حضرت پیغمبر هست. نه رب مشرکان نه ارباب و نه اون شرک‌هایی که بعضاً در ذهن من و شما هم ممکنه باشه، خب؟ این از بحث ربک.

ببینید آیه خیلی آیه‌ی پربحثی بود میفرمایند که امداد حضرت پروردگار (دقیقه ۳۵) از شئون ربوبیت هست و جز خدای سبحان برای کسی ربی نیست اما از آنجایی که بت پرستان برای بت‌های خود ربوبیت قائل بودند پس ربوبیت خدای سبحان را به پیغمبر گرامیش نسبت داد. این هم متن المیزان.

سوال: دوباره تقدم مفعول، اول اومدن مفعول را توضیح بدید؟ پاسخ: "كُلًّا" به خاطر اینکه بگه عطا، قانون عمومیت امداد خدا، همه را امداد می‌رسونه چه برای دنیا شون چه برای آخرت شون، منعی نداره، قطعی نداره. خب؟ منتها اگر کسی بخواد از این عطا و امداد درست استفاده کنه میرسه به آخرت، به کمال و سعادت، اما اگر درست استفاده نکنه بحث فسق و کفر میاد وسط، میرسه به خسران و آیاتی هی داره اینجا جهنم هم میاره و تهدید می‌کنه. باز جلوتر همین رو داریم.

سوال: هولاء اسم اشاره هست؟ پاسخ: بله؛ اسم اشاره به نزدیک.

سوال: هولاء اول، داره به چی اشاره میکنه؟ ضمیر باید قبلش اومده باشه یه چیزی که به اون اشاره بشه که می‌گیم مرجع ضمیر باید باشه؟ پاسخ: می‌تونه دو مفعولی باشه. "كُلًّا" مفعول اول، "هَؤُلَاءِ" مفعول دوم.

سوال: مثل ضمیر که می‌گیم مرجع ضمیر قبلش اومده که ضمیر به کار می‌بریم، برای اسم اشاره همچین چیزی داریم؟ پاسخ: اینجا ضمیره، این ضمیر مرجعش توی آیات قبل هست این گروه و آن گروه. بله یعنی کل دو تا گروه دیگه در واقع. ناسی که مثلاً توی آیات هست.

دوستان: معمولاً توی قرآن کلماتی مثل: کل، جمع، اجمع و اینها حالت تاکید داره. استاد: بله. برای تاکید میاد. کلهم اجمعون. کلا، "كَلِمَاتُ الْجَنَّتَيْنِ". اینها همه کلمات تاکید هستن.

خب! می‌فرمایند که (نتیجه‌ی آخرت) بخشش‌های الهی مطلق و غیر محدود هست چون عطا مطلق هست و اگر دیدیم که تقدیری هست، محدودیتی هست مربوط به ناحیه خود شخص هست. این جمله آخر علامه هست.

بخششهای الهی مطلق و غیرمحدود هستند چون که عطا مطلق هست. اگر محدودیتی و تقدیری بود از جانب خود شخص هست. ربطی به خداوند نداره خداوند مفیض است. مفیض یعنی چی؟ افاضه کننده مطلق هست، خدا افاضه می کنه. مثالی که از بچگی از دوران ابتدایی، راهنمایی برامون زدند، خدا باران رحمتش را می فرسته ما کاسه مون را برعکس می کنیم. ما خودمون ظرف وجودمون را جلوش میگیریم که از این رحمت الهی دریافت نکنیم.

سوال: قدر یعنی؟ پاسخ: اندازه ها یا تنگ شدن ها.

سوال: یعنی در شب قدر ما باید اون اندازه مون را بیشتر کنیم؟ یعنی کلا خداوند میفرسته ولی ماییم که هر چقدر...؟ پاسخ: ظرفیت باید بیشتر باشه.

دوستان: ظرف مون را دمر نگیریم. استاد: احسنت. اگر کم دریافت کردیم خودمون کم خواستیم، خودمون ظرفیت مون کم بوده تقصیر خودمون بوده.

سوال: کلا قضا و قدر که میشه کلا به خودمون مربوط میشه؟ پاسخ: ببینید خدا هیچی رو گردن نمیگیره و واقعا هم همینه ها. میگه بابا من این همه اسباب گذاشتم، من مسیر هدایت را هم روشن کردم مسیر ضلالت هم هست، خودتون میرید، خودتون خواستید. بحث جهنم هم باز مربوط به خودمون هست. خودمون رفتیم توی جهنم خودمون. خدا که هیچوقت دوست نداره که ما واقعا عذاب بشیم. اصلا برای عذاب ما خداوند تمهیداتی نداشته، ما خودمون داریم خودمون را عذاب می کنیم.

وقتی ما در ماه رمضان دعای *أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ* یا *أَجْرِنَا مِنَ النَّارِ* میخوانیم یا مثلاً برای جوشن کبیر درخواست مجدد، درخواست صد باره، چند باره می کنیم خدایا ما را از نار نجات بده، نار مال وجود خودمون هست نه اینکه اونجا خدا یه چاله آتش درست کنه یه کبریتی هم بزنه یه سوختی و یه چیزی و همه مون را بندازه توی آتیش. آتیش مال ماست. ما یا نار داریم توی وجودمون، یا نور داریم. ما با نار وجودی مون میتونیم بریم اون ور یا با نور وجودی مون. هر چقدر نارمون کمتر باشه زودتر میرسیم به بهشت. باید اون نارها خاموش بشن اون دنیا. (دقیقه ۴۰) هر چقدر نورمون بیشتر باشه باز زودتر می رسیم ولی اگر برعکس نارمون بیشتر بشه، میریم سمت جهنم.

سوال: این همون " *وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ* " هست؟ پاسخ: دقیقاً یعنی خود مردم هیزم آتش هستند.

سوال: خودمون در حال حرکت هستیم ، حالا کدوم جهت، بازم با خودمونه..؟ پاسخ: بله.

خب این از این آیه ی پر بحثی بود.

آیه ۲۱ " *أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَآ خِرَةَ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا (۲۱)* "

این تفاوت درجات هست. هر کسی به اندازه سعی ش و کوششش. توهم پیش نیاد همه یه اندازه هستند همه یه درجه هستند، این عدالت خداست. بله برتری هایی در دنیا هست یه شغل هایی ناخداگاه احترام اجتماعی داره

غلط یا درست، اصلاً کاری به اونس نداریم، احترام اجتماعی ممکنه بعضاً ثروتی فقط باشه. مثلاً فلانی تاجر. فامیل بهش احترام می‌گذارند آشناها، در و همسایه به این آقای تاجر احترام می‌گذارند. نمی‌دونم پزشکه، آدم موفق هست. بعضی از شغل‌ها برتری‌های دنیایی داره. و چه بسا کسی که شغل پستی داره از لحاظ دنیایی، مقامش در برابر خداوند و پیشگاه خداوند خیلی خیلی بالاتر از اون کسی باشه که مثلاً به منصبی به پستی به درجه ای داره.

پس برتری‌های دنیا خیلی ربطی به عدالت خدا نداره ربطی به سعی و کوشش ما داره مثلاً به بنده خدایی تلاش کرده به به پستی رسیده و یک برتری هم برای خودش کسب کرده. این اینجا بماند این مال دنیا. خدا میگه مال آخرت اینجوری نیست.

اینقدر نکته علامه جالبه. میفرماید که خدای سبحان به رسول گرامی خودش دستور میده که فضیلت‌های اعتباری که در بین دنیا هست را نگاه کنه اینو مثلاً یک وسیله ای قرار بده بعد از این پی بیره به درجات آخرت. درجات آخرت مال قلوب هست، مال اعماله، مال باطنه. درجات دنیا مال جسم هست.

خیلی زیباست. ما اختلافات دنیایی مون مال جسم مون هست. یکی هیکل متناسبی داره زیبارو هست به سری استعدادهایی خدا بهش داده مال جسمش هست، توی این دنیا موفق و محبوب و مشهور هست. تمام. برتری داره پس به تفضیلی نسبت به مثلاً همکلاسی هاش، هم‌درجه‌ایی هاش داره. به تفضیلی داره. اما اون دنیا فقط تفضیل قلوب هست.

مثلاً آیه داریم چی؟ "يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾"

جسم اونجا هیچ برتری برای ما نداره. شاید اتفاقاً باعث توبیخ مون هم بشه. مثلاً خدا بگه که من به تو به توانایی دادم به استعدادی دادم چرا درست استفاده نکردی؟ پس برتری‌های دنیا جسمیه، بدنیه. برتری‌های آخرت قلبیه. یا آیه دیگه‌ای داریم.

سوال: میشه کسی از این فضیلت و بهره دنیوی خوب استفاده نکنه ولی قلب سلیم داشته باشه؟! پاسخ: قلب سلیم باعث میشه که شما از تمام نعمت‌هایی که خدا این ور داده بهتون درست استفاده کنید .

سوال: پس نمیشه؟ پاسخ: نه.

سوال: رنگ چهره توی این دنیا مثلاً توی عرف ما اینجوری هست که تعیین کننده زیباییه، خب چرا مثلاً این برای خود ائمه چیز بوده مثلاً ما داریم برای غلام سیاه دعا کردند که ...؟ پاسخ: به خاطر اینکه توی این دنیا کلی تحقیر شده.

میگن که ، شما می‌گید که توی این دنیا، بحث تفضیلات مال جسمه. پس چرا امام حسین برای اون سیاه پوست دعا می‌کنند که خدا صورتت را سفید کنه؟ کنایه از اینه که هر چی توی این دنیا پستی دیدی، تحقیر شنیدی توی اون دنیا خدا همه را جبران می‌کنه.

بله آدم‌هایی که رنگ پوستشون، سیاه‌پوستان وجه اجتماعی مثل سفید پوستان ندارند. تفضیلات دنیایی هست ربطی هم به عدالت خدا ندارد .

سوال: خب چرا؟ مگه ما نمیگیم مسلمان‌ها همه برابرند، (دقیقه ۴۵) آدمها و انسانها همه با هم برابرند؟ پاسخ: برابرند بحث باطن و قلبشونه. یعنی شما چه بخواهید چه نخواهید نادرسته‌ها.

تفضیلات دنیایی میگم اصلا به پایه‌های غلطی داره. مثلا کسی که طلا فروش هست ناخداگاه آدم پُراج و قریبی هست توی فامیل. مثلا میگم. حالا من مثالهام خیلی، دور و اطراف این چیزهایی که میبینم ملموس هست. مثلا کسی که بسازفروش هست کسی که چندین ساختمان داره کسی که پزشکه، کسی که تاجر. کسی که پولداره همه بهش با احترام نگاه می‌کنند.

دوستان: نه بخدا، خیلی از پولدارها هم هستند که آدم چندشش میشه...

استاد: اکثر این قانونه دیگه. مسئله، نماینده مجلسه، نمی‌دونم فلانه، بهمانه، میبینید همه ناخداگاه به چیزی دارند نسبت بهش با احترامی به.

سوال: حالا این "فَضَّلْنَا" همینه یا نه چیز دیگه‌ای هست؟ چون اینا بر مبنای عرفی هست که آدمها ساختن؟ پاسخ: خداوند می‌فرماید که توی دنیا شما به سری تفضیلات و درجاتی دارید باز هم این از همون عطای خداست. خدا به یکی عطایی داده. اما این تفضیلات در آخرت به جور دیگه‌ست. "وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ" اونجا به جور دیگه‌ست. بعد به جور دیگه را علامه از آیه‌های دیگه استفاده میکنه یا اونجایی که میگه: "إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ" تفضیلات اخروی مال قلوب ماست. "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ" فرق می‌کنه.

چه بسا سیاه‌پوستی، این شیخ زکراکی. یک عالم سنی بود به سفر به ایران داشت زمان امام خمینی، اومد شیعه شد، برگشت نیجریه، و ۲۵ میلیون تا الان، فکر کنم آمار خیلی بیشتر از اینهاست اون موقع که مال زمان دستگیری شون هست که گفتند ۲۵ میلیون شیعه شناخته شده، حالا چقدر تقیه داشتند، بماند.

یک نفر به همچین ظرفیتی پیدا می‌کنه که بره ۲۵ میلیون نفر را شیعه کنه. الان خیلی بیشتر هستند که مثلاً توی شهر زاریا به کشتار آنچنانی اتفاق افتاد همه هم، مجامع بین‌المللی هم همیشه سکوت در مورد اینجور مواقع.

یه حسینی‌ه ای آقای زکراکی دارند بسیار با اخلاص. که ضرب‌المثل بود کسی که وارد این حسینی‌ه میشد و از چایی اون حسینی‌ه میخورد، شیعه میشد و بین مردم عادی ضرب‌المثل شده بود، به وقت نری چای زکراکی بخوریا، شیعه میشی. حالا شیعه از دیدگاه اونها به جور حالت انحراف هست، وارد فلان فرقه میشی.

یه آدم سیاه‌پوست ۹ تا بچه داره ۶ تا شهید شدند. خب مقام این آیا مثلا با مقام کسی که به عالمه اختیارات داره کارهایی میتونسته بکنه، نکرده، یکیه؟ این با قلبش اون دنیا تفضیل پیدا کرده یا با ادراکات باطنیش تفضیل پیدا کرده. خدا میگه این دنیا به دنیای صد ساله‌ست، دویست ساله‌ست، نهایت. به بازه دویست ساله را که دویست ساله هم که ما دیگه نداریم، میگیم صد سال. به بازه صدساله را همه فروختن به ابدیت. اشتباه کردند.

و ما هم در حال همین اشتباه هستیم من نمی‌خواهم بقیه را توبیخ کنم، در مقام وعظ و نصیحت نیستم. (اول خودمون). که یه بازه صد ساله داریم و یه بازه بینهایت. اونهایی که انتخاب کردند دنیا را بر آخرت "استحبوا" اونها که انتخاب کردند دنیا را بر آخرت. خب چه خسارت عظیمی هست. خیلی خسرانه.

دوستان: معمولا کلمه فضل را در قرآن بیشتر به استعداد و ظرفیت میگن. میگن کلمه فضل روی استعداد و توانایی و مهارت. استاد: بله؛ دقیقاً. ما یه ظرفیت هایی این دنیا داریم با اون ظرفیت‌ها می‌رسیم به یه درجاتی، اما این درجات لزوما همون درجات آخرتی مون نیست.

سوال: اگر یه وقتی اون استعدادمون را درست تشخیص ندیم مثلا به اون اوجش نرسونیم نمی‌تونیم از نظر اخروی هم؟ پاسخ: نه توی اخروی هم مشکل پیدا می‌کنیم.

دوستان: شب قدر دوم امسال (استاد اخوت)، شب‌های قدرشون کلا در مورد بحث ظرفیت هست. بخصوص شب قدر دومشون را دقیقا همین رو گفتند، گفتند اگر شناسیم سهل‌انگاری کردیم. کم گذاشتیم دیگه.

سوال: مثلا میگن یکی توی کلامش مثلا استعداد بیشتری داره یکی توی کار یدی. (دقیقه ۵۰) فکر میکنم آقای اخوت می‌گفتند همه را باید بکشیم بالا. یعنی اینجوری نباشه که بذاریم یکی بره بالاتر، همه باید بالا باشند. من فکر میکنم برعکس هست، نظر استاد اخوت اینه که فضیلت نداری، باید اونو بکشی بالا. تا همه توانایی‌ها مون در حد بالا باشه. درسته؟ پاسخ: "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ" این آیه همینه. تا اونجایی که میتونید با تمام ظرفیت تون بیاید بالا.

بعد میفرماید که برتری‌های دنیایی به خاطر اختلافی که در اسباب مادی دنیا هست، و چون این اسباب محدود هست دنیا هم دار تراحم هست پس برتری‌های دنیا هم محدود هست، آخرش چقدر ثروت؟ چقدر مقام؟ چقدر شهرت؟ اما اختلاف‌های یا برتری‌های آخرت، برتری‌ها یعنی اختلاف اسباب نیست. اختلاف جانها و دلها و اخلاص هاست. میفرماید که "وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ" شما هر چی که در دلتون مخفی کنید یا آشکار کنید خدا اونو به حساب میاره. اون دنیا درجات ما با ابداع و اخفا، در واقع هر چی اینجا بودیم، اون دنیا با اینها مشخص میشه. یک سری نیت‌هایی داریم که تا لحظه مرگمون هم بر هیچکس آشکار نمیشه ولی اون دنیا "يَوْمَ تُبَلَى السَّرَائِرُ". بعد تازه اونجا درجات مون بالا پایین میشه .

سوال: یعنی درجات مون را در واقع اون طرف متوجه میشیم؟ پاسخ: متوجه میشیم ولی در این دنیا می‌سازیم. در این دنیا پایه‌گذاری می‌کنیم. اون دنیا پرده‌ها میره کنار، تازه می‌فهمیم که چیکار کردیم چه کاری نکردیم. خیلی از اعمال نیک ما بالا نمیرند چرا؟ چون نیت فعلی‌ش مشکل داشته. ۱۰ جا صدقه دادیم شاید یکیش قبول شده.

سوال: طبق آیه قبل می‌شه "وَهُوَ مُؤْمِنٌ" اشکال داشته؟ پاسخ: بله.

سوال: این ابداء و اخفای که الان توی آیه گفتید را میشه به همون فرمایشات استاد اخوت برگرده؟ ابداء و اخفای درونیات تون (سراثر)، پس فضل هاتون هم همینطور ابداء و اخفا داره دیگه؟ پاسخ: یه فضلی روشن میشه چراغش. یه فضلی خاموش میمونه تا آخر و همه مومن هم باید جوابگو باشیم دیگه. خدا یه سری ظرفیتها و استعدادهایی در ما نهاده که باید جواب اینها را بدیم.

سوال: یعنی میگن نباید هیچ کدام کم باشه و خاموش باشه؟ پاسخ: حالت اخفا اون دنیا برامون روشن میشه، تو این کار را هم می تونستی بکنی.

سوال: بعد ببخشید اون حالت فقط برای دهنده هست یا فقط برای خودمون هست؟ ببینید یه سری حالتها آشکاره یه سری حالتها مخفیه؟ پاسخ: حتی اگر بحث اهتدا در ما باشه و هدایت باشه باز خودمون میریم بالا. ولی خدا این فضل را به ما داده که دست دو نفر دیگه را هم بگیریم یعنی هم نقش وسیله را بازی می کنیم و در نهایت که خودمون میریم بالا. (هم فاعل هم مفعول)

سوال: نقش محیط و معلم و تربیت و اینها چیه؟ پاسخ: همه شون وسیله هستند.

سوال: این چیزها را نداشته، درسته؟ خب یه سری به قول شما اون لامپها روشن نشده، باید یه زمانی روشن میشده، نشده. اونوقت این چه جوریه؟ پاسخ: به همون اندازه خدا، " لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا " به همون اندازه خدا باهاتش برخورد می کنه. یه جاهایی به قول شما ما نمی دانیم، مثلا ببینید؛ یه بنده خدایی یک حرف خوبی میزد می گفت که ما مثلا سلطان آواز داریم، نمی دونم آقای شجریان، میگه روی دست ایشون دیگه کسی بلند نشده توی آواز سنتی. خب؟ چه بسا ما توی بچه های روستایی توی کشاورزان آدمهای خوش صداتری از آقای شجریان داشته باشیم و داریم. آقای شجریان این استعداد را شناخته، مثلاها. (نمی دونم چرا این مثال را زدم)، اون بچه استعدادش هیچوقت کشف نشده یا اون جوان. این استعداد دنیایی هست .

سوال: خب من همینه حرفم، میگم اون استعداد شناخته نشده میتونه؟ پاسخ: نتوانسته. ببینید خودش هم نمی دانسته همچین چیزی داره. جرأت بروز نداشته یا مثلا ده تا مانع دیگه سر راه. این بحث تحقق عمل خیلی مهمه ها. ده تا مانع دیگه سر راه اینه که این بچه کشاورز اینقدر مشغول بحث امرارمعاش باشه که اصلا یاد آواز و خوانندگی نیفته.

سوال: خب این یعنی توی آخرتش تاثیر میذاره؟ من میگم وقتی نتوانسته اون توانایی دنیاییش را کشف کنه؟ پاسخ: نتوانسته یا نخواسته؟ (دقیقه ۵۵) این فرق می کنه. یکی موانع جلوش زیاده برای کشف استعداد. یکی نه، بازه خودش نمیره. ما برای اون نرفتنهای ارادی مواخذه میسیم نه غیر ارادی که دست ما نیست. یا شرایطش فراهم نبوده.

هر چه، قدرت بیشتر شد عملهای بیشتری برای انسان مقدور میشه، هر چقدر کمتر شد. اختلاف درجات آخرت هم نتیجه همین بحث اعمال ماست.

سوال: تفصیل برای آخرت آورده؟ پاسخ: قیاس ملموسه دیگه شما برتری های این دنیا و تفصیلهای این دنیا را ببینید اون دنیا هم تفصیل داره. برتری هایی داره. بعد فقط لفظ اکبر را آورده .

سوال: هم اهل درجات هم اهل تفضیل. برای آخرت، میگم درجات و تفضیل فرقی چیه؟ پاسخ: سنخشون یه حالت هست، یک برتری هست علامه از آیات دیگه میاره می گه که برتری اونجا مال قلوبه، برتری اینجا مال اجسامه. مال ابدانه. مال بدنهاست. یعنی از آیات دیگه شاهد آورده از خود این آیه ما غیر از اینکه بفهمیم که هم اینجا تفضیل داریم هم اونجا، هیچ چیز دیگه ای متوجه نمی شیم.

ولی اونجا تفضیلش چیه؟ چجوریه؟ باید حتما آیات شاهد را مثال بیاریم. مفهوم؟

سوال: من اینو متوجه شدم میگم چرا دو تا عبارت داره؟ اون درجاته؟ پاسخ: تاکید هم هستند.

سوال: درجات با تفضیل شاید یه اختلافی داره مثلا اونجا دو تا چیز داریم؟ میگم شاید یکیش پاداشه یکیش همون عمله هست که میاد؟ پاسخ: مترادف هستند تاکید هم هستند .

دوستان: من فکر میکنم با توجه به اینکه تفضیل را گفتند توانایی و استعداد هست. استاد: درجات ارتقاء هست توش.

سوال: درجات از ناحیه خدا میرسه اون تفضیل مثلا نتیجه اون عمله هست؛ چیزی نگفتند؟ پاسخ: ممکنه. نه نه چیزی نگفتند.

خب تا اینجا باشه این بحث امروزمون. دو تا آیه را ما تونستیم بریم چون خیلی آیات پربحث و پر مفهومی بود بیشتر از این جلو نمی توانستیم بریم. این دو تا آیه باشه. ان شاء الله ادامه بحثمون برای جلسه آینده.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ